

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
 مدیر مسئول: مهدی شفیعی
 سردبیر: جواد دلیری

اذان ظهر ۱۳/۱۰ | اذان مغرب ۲۰/۴۰ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۰ | اذان صبح فردا ۴/۲۰ | طلوع آفتاب فردا ۶/۰۲

امام علی علیه السلام: چیز زشت است، اما از ۹ گروه زشت تر: درماندگی و ناتوانی از دولتمردان؛ بخل از ثروتمندان؛ زود خشمی از دانشمندان؛ حرکات بیگانه از میانسالان؛ جدایی حاکمان از مردم؛ دروغ از قاضیان؛ بیماری کهنه از پزشکان؛ بدزبانی از زنان و سختگیری و ستمگری از سلاطین.
 [دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۸۳]

نگاره

پریسا نور اللهی



هنرمندان در فضای مجازی	<p>خبر تلخ درگذشت حمیدرضا صدر باعث شد که در فضای مجازی یادداشت‌هایی از هنرمندان و ورزشکاران در ستایش این نویسنده نوشته شود. از سوی دیگر پنجشنبه شب با مشخص شدن برنده دربی فضای اینستاگرام برخی از هنرمندان آبی شد.</p>
-------------------------------	--

در ستایش مرد باسواد

از چندی پیش خبر بیماری حمیدرضا صدر اعلام شد، خبری که با افسوس هنرمندان برای مرد باسواد سینما و ورزش همراه بود. رؤیا تیموریان، لیلی رشیدی، اسد امرایی، بهرام رادان، احسان کریمی، حبیب رضایی، نگار جواهریان، فریدون چیرانی، بهمن فرمان‌آرا و حسن فتحی برخی از هنرمندانی بودند که در پست‌های خود یادی از این نویسنده کردند. حمیدرضا آذرنگ کارگردان تئاتر و بازیگر سینما و تئاتر در پستش نوشت: «آره، چاره‌ای نیست حمیدرضا خان گاهی زندگی پنجاه پنجاه رو بُد موقع به نفع آسمون می‌گیره! خوش به حال شما که در تمام ساکنان‌های زندگیت عینِ نود دقیقه‌بودنت رو بی‌نظیر درخشیدی. سِفَرَتِ خوش آقای آداب دانِ با‌معرِفَت به تمام معنا خاص و دوست داشتنی.»

چهره‌ها



محمد اصفهانی: خواننده اهل اصفهان در صفحه شخصی خود فیلمی از شادی

همشهری‌های اصفهانی خود به‌دلیل جاری شدن آب زاینده رود گذاشته و نوشته

است: «شادی مردم اصفهان به‌خاطر باز شدن آب زاینده رود. کاش منم اونجا بودم به امید شادی مردم کشورم به امید سربلندی ایران عزیز و آرامش و رضایت ایرانی‌ان دوست داشتنی و خونگرم.»



احترام برومند به مناسبت ۲۵ تیر که سالروز تولد زنده یاد داود رشیدی بود فیلمی از مجموعه فعالیت‌های این هنرمند منتشر کرد و نوشت: «میدونم حواس همه به هزار جاست، فوتبال، کرونا، واکسن، بی‌آبی، گرانی و... اما امروز من اجازه دارم که به روز تولد عزیزترین فرد زندگی ام فکر کنم. بیست و پنج تیرماه، تولد همسرم (داود رشیدی) است. اگر بود امشب هشتاد و هشتمین زادروزش را دور هم جمع می‌شدیم. برای ما جایش بسیار خالیه‌ست، گرچه دلخوشم به زندگی پربارش و اینکه الان اگر بود، همه چیز افسوس و دریغ داشت.»



بهمن فرمان‌آرا: در صفحه خودش اعلام کرده است که به مناسبت ۳۰ سالگی از مجموعه فعالیت‌های این هنرمند منتشر کرد و نوشت: «میدونم حواس همه

به هزار جاست، فوتبال، کرونا، واکسن، بی‌آبی، گرانی و... اما امروز من اجازه دارم که به روز تولد عزیزترین فرد زندگی ام فکر کنم. بیست و پنج تیرماه، تولد همسرم (داود رشیدی) است. اگر بود امشب هشتاد و هشتمین زادروزش را دور هم جمع می‌شدیم. برای ما جایش بسیار خالیه‌ست، گرچه دلخوشم به زندگی پربارش و اینکه الان اگر بود، همه چیز افسوس و دریغ داشت.»



شبنم مقدمی بازیگر تئاتر و سینما که این روزها فعالیت‌های بیشتری در حوزه

سینمای خانگی و سینما دارد با انتشار عکسی از تئاتر «تول» به‌کارگردانی سیامک

احصایی که شش سال پیش در سالن باران اجرا شده، نوشت: «شش سال پیش از این... باز دلتنگی برای تئاتر و حال خوش روی صحنه بودن.»



کمال بهروزکیا نویسنده، مترجم، پژوهشگر ادبیات کودک و نوجوان در صفحه

شخصی علاوه بر معرفی کتاب‌های مناسب رده سنی کودک و نوجوان مطالب

جالبی برای این رده سنی می‌گذارد. در آخرین پست خود به آموزش کاردرستی

خلاقانه پرداخته‌است: «یک گلدان روی کاغذ رنگی بکشید. آن را با قیچی جدا

کنید. گلدان را روی کاغذ رنگی دیگری بچسبانید. ساقه‌های گیاه را نقاشی کنید.

بعد با چنگال گل‌ها را مانند شکل روی ساقه‌ها مُهر کنید، تمام. تابستان زیبا و خوبی داشته باشید.»

چه خبر؟



نشر افرا در صفحه خود به معرفی کتاب‌های جدید و قدیم خود می‌پردازد و دوستان‌دارن

کتاب می‌توانند با سرزدن به این صفحه از تازه‌های نشر باخبر شوند. یکی از کتاب‌هایی

که به‌تازگی معرفی کرده‌است «پروژه پدری» به دبیری و ویرایش فاطمه ستوده‌است. در

معرفی این کتاب آمده است: «دل‌م می‌خواهد قهرمان پسرم باشم. مثل پدرم که برای

من بود. گاهی از خوشمگین بوده‌ام. می‌دانم که پسرم هم از من خشمگین خواهد شد.

اما انگار حجم این خشم‌ها مقابل قهرمان بودنش برایم کم بود. من هم می‌خواهم بیشتر وقت‌ها قهرمان

پسرم باشم و برای این قهرمان بودن هم برنامه‌ریزی کرده‌ام. همراه همسرم به کلاس آمادگی برای پدر

شدن رفتم و سعی کردم یاد بگیرم چطور پدر بهتری باشم و کمتر اشتباه کنم.»

کتاب اوزان تریب کلاست

علیرضاخمسه: «خمسه‌به روایت خمسه» در اصل روزشمار، ماه‌شمار و سال‌شمار زندگی من از آغاز تا لحظه حاضر ادر بر می‌گیرد.

البته این موارد تنها یک فصل از کتاب است. من تلاش کردم تا تمام وقایع را از روز تولدم و اینکه در چه سالی متولد شدم و چه کار کردم

تا لحظه حاضر بیان کنم. مثلاً سال گذشته دو فیلم بازی کردم یک تئاتر کار کردم، مطالبی یادداشتی نوشتم، همه در این بخش

کتاب آمده‌است. علاوه بر این موضوعات، این اثر در برگیرنده مطالبی است که طی سال‌ها در مجلات و نشریات از من چاپ

شد یا اگر فیلم‌نامه، نمایش‌نامه و شعر یا مطلبی را ترجمه کردم همه را انتخاب کردم و تبدیل به یک جلد کتاب شد. در این

کتاب منتخبی از مصاحبه‌ها آورده شده‌است. در ایران ارزان‌ترین کالا کتاب است و اولین کالایی است که با فشارهای

اقتصادی از سبد فرهنگی خانواده جدامی شود. در عین حال کتاب‌فروشی‌ها هم به طور مثال در شهری که ۱۲ میلیون

جمعیت دارد نه‌پنجاه نسخه از هر کتاب می‌گیرد و شاید همان همه مدت‌ها در طبقات باقی ماند و کسی آن را نخرَد. با

وجود این، من هم به عنوان تعارف می‌گویم اگر باز هم کسی هست که نمی‌تواند کتاب تهیه کند، من حاضرم تقدیم کنم.

بخشی از گفت‌وگوی این بازیگر با خبرنگار ایبستا



در هیچ جمعی غریبه نبود

وارد شود. با وجود این که سال‌های طولانی از تصویربرداران مسابقات فوتبال در تلویزیون بودم و بسیاری از بازی‌های بزرگ استادیوم آزادی و شیرودی را فیلمبرداری کردم اما هیچ وقت نمی‌دانستم که حمید اینقدر اهل فوتبال است. خیلی اوقات با هم به سالن سینما و تئاتر می‌رفتیم و در آن روز بازی مهم فوتبال انجام شده بود اما حمید فقط راجع به سینما و تئاتر حرف می‌زد. بعدها که پرونده سینمایی ذهنش را بست و فعالیت ذهنش را بر فوتبال متمرکز کرد فهمیدم چقدر از دنیای فوتبال شناخت دارد. او یکی از استثنایی‌ترین آدم‌های زمانه خودش بود. شبیه او خیلی کم است. آدم دوست داشتنی و خوش مشرب که در هیچ جمعی غریبه نبود. حمید این خصوصیت را با خودش به تلویزیون هم آورد. وقتی در قلاب تلویزیون ظاهر می‌شد انگار یکی از ما‌ها بود که همین الان بازی را تماشا کرده و در خانه بین دو نیمه راجع به آن حرف می‌زنیم. حمید

صدر چنین نگاه و دیالوگی را با خودش به صفحه تلویزیون آورد که همچنان با وجود این که سال‌هاست در قلاب تلویزیون ندیده‌ایم‌اش اما به یادمان مانده است. انگار این آدم عضوی از خانواده و رفیق تک تک ماست. صد حیف که زود از دست دادیمش. خودش همیشه می‌گفت که با سرطان فوت می‌کند. متأسفانه سرطان در

ژُن خانوادگی‌شان بود و حمید خیلی از آدم‌های نزدیکش را به خاطر سرطان از دست داده بود. با همه این احوال وقتی فهمیدیم او به این بیماری مبتلا شده امید داشتیم تا حمید هم مثل همسرش این بیماری را پشت سر بگذارد. یاد و خاطره او برای همیشه با ماست.

کتاب سه فصل دارد:

میراثی به نام تصوف

کتاب «تصوف» (اصول تصوف ابوسعبد عبدالملک ابی عثمان خرگوشی با نگاهی به تهذیب‌الاسرار) که قلم پروفیسور عرفان گوندوز عرفان‌پژوه اهل ترکیه است. کتاب بررسی حیات صوفیانه ابوسعبد عبدالملک ابی عثمان خرگوشی با نگاهی به تهذیب‌الاسرار» وی است. ابوسعبد عبدالملک که به خرگوشی شهرت دارد، در نیشابور به دنیا آمده و در همان‌جا پرورش یافته‌اند است. از این‌رو گاه نیشابوری هم یاد شده است. با آنکه تاریخ ولادت او به طور قطعی تثبیت نشده است، از روی تاریخ وفاتش تخمیناً می‌توان گفت که در حدود ۳۳۰ هـ. تولد یافته است. در وصف خرگوشی، زکریا محمّد بن

محمود قزوینی می‌گوید: «از مشهورترین علمای خراسان بود، با علم و زهد و حیات مستقیم شهره بود و کتاب‌های زیادی در علوم شرعی تصنیف کرده است.» ابن جوزی گوید: «مردی نقه، صالح، صاحب ورع و زاهد بود.» یاقوت حموی گوید: «فقیه شافعی بود که با زهد و اعمال خیر و نیکو شهرت داشت.»

در فصل اوّل، کوشیده شده است که روزگار خرگوشی، جوانب فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و صوفیانه او شناسانده شود.

در فصل دوم، زندگانی، رشد و برداشت خرگوشی از تصوّف موضوع بحث بوده و معرفی مؤلف از جنبه فنی نیز مدّ توجه بوده است.

در فصل سوم تهذیب‌الاسرار که موضوع گزیده شده برای نشر است، مورد بررسی انتقادی قرار گرفته، سعی شده است که جایگاه آن در میان آثار صوفیانه و اهمیت آن نشان داده شود. کتاب تهذیب‌الاسرار را می‌توان در رده آثار قرار داد که تنها بحث در اصطلاحات صوفیه را مدنظر قرار داده‌اند و اندیشه‌های گوناگونی را که صوفیان در ارتباط با این اصطلاحات بر زبان آورده‌اند، نقل کرده‌اند.

اما در توضیح بیشتر برای معرفی نویسنده کتاب خوب است بدانید که پروفیسور عرفان گوندوز در سال ۱۹۵۰ در «یشیل حصار» در استان قیصریه به دنیا آمد. دوره ابتدایی را در همان یشیل حصار و دوره دبیرستان را در مدرسه معقول و منقول (امام خطیب) در قیصریه در ۱۹۶۹ به پایان رسانید. در سال ۱۹۷۴ از انستیتوی عالی اسلامی استانبول فارغ‌التحصیل شد. در همان شهر به استادیاری در رشته تاریخ تصوف منصوب شد. در همین انستیتو که بعداً به دانشکده الهیات دانشگاه مرمره تغییر نام داد، در سال ۱۹۸۳ درجه دکتری گرفت. در ۱۹۹۰ دانشیار شد.

کتاب «تصوف»

نویسنده: عرفان گوندوز

ترجمه: توفیق. ه. سبحانی

عکس نوشت

تصویری از **کریم پولاد کیمیایی** و **امیر آقایی** در فیلم **«خائن‌کشی»**

تازه‌ترین اثر **مسعود کیمیایی** که این روزها در **مرحله اصلاح رنگ و نور** است، منتشر شد. **سعید پیرو دوست**، **امیررضا دلوری**، **ایوب آقاخانی**، **سام نوری**، **امیرکاوه امین‌جان**، **ایلپا کیوان** و **کیانوش گرامی** از **دیگر بازیگرانی** هستند که در **تازترین فیلم کیمیایی** نقش آفرینی کرده‌اند.



نقل است که پیری پیش او آمد و گفت: کناه کردم بسیار و می‌خواهم توبه کنم.

گفت: دیر آمدی.

پیر گفت: زود آمدم.

گفت: چون؟

گفت: هر که پیش از مرگ آمده، زود آمده باشد.

شقیق گفت: نیک آمدی و نیک گفتی.

تذکره الاولیاء.

عطار نیشابوری

تأملی در باب نصیحت در رسانه

تا به حال جز در موارد استثنایی، چه کسی را دیده‌اید که از شنیدن نصیحت احساس خوشایندی داشته باشد؟ ناخوشایندی نصیحت برای انسان امروزی امری طبیعی است، چرا که نصیحت خلاف گفت‌وگو و ملزومات آن است. نصیحت ناشی از ارتباطی یکسویه و بالا به پایین است، یک طرف آگاه فرض شده که می‌گوید و طرف دیگر صرفاً می‌شنود.

به همین دلیل نوعی قدرت‌نمایی در نصیحت کردن نهفته است و ساختار سلسله مراتبی را بازتولید می‌کند.

اگر در ادبیات کهن شرق و گاه غرب- پیش از روشنگری- پند و اندرز متداول بوده است، به دلیل سنتی حکمی و معنوی است. یعنی اینکه نصیحت در کلام شخصی حکیم و راه‌پیموده، با زبانی فخم و پالوده جاری می‌شد و علاوه بر پیروان، بیشتر خطاب به حاکمان بود. نصیحت در آن قضا، از صاحبان قدرت با نهادهای رسمی به گروه‌های مختلف اجتماعی بیان نمی‌شد بلکه برعکس، روشنگران و دانایان جامعه قدرت‌مداران را مخاطب قرار می‌دادند. نکته مهم دیگر این است که اندرزنامه‌ها و حتی سیاست‌نامه‌ها در روزگار قدیم، در زیست جهانی سنتی و مبتنی بر ادبیاتی عرفانی- اخلاقی شکل می‌گرفت و آنجا عقل خودبینا، برابری و آزادی فردی توسط افشار اثرگذاری از جامعه، به عنوان اموری اصیل و ارزش‌هایی بنیادین در نظر گرفته نمی‌شد.

اما شاید امروزه از معدود فضاهایی که ادبیات نصیحت و اندرز در آن می‌تازند همین رسانه ملی برحرف و چانه گرم ماست. سال‌هاست که دیگر آتش اندرز شور شده که این ادبیات از برنامه‌های معنوی، اخلاقی و آموزشی، به نمایش‌ها و جنگ‌های سرگرم کننده و تفریحی هم سرایت کرده است. این ناهمگونی، هم ناشی از تأخر فرهنگی سیاستگذاران رسانه است و هم عدم درک برنامه‌سازان از زمانه.

در رسانه مبتنی بر حرف ما، که در آن زمان امری مطلقاً بی ارزش است، میان برنامه استعدادیابی اوقاتی طولانی و مفصل صرف نصیحت اخلاقی می‌شود و در میان یک جنگ شادی آور به مردم به شکلی کاملاً مستقیم و این وضعیت حتماً تا به حال به ذهن‌تان افتاده است. این ناهمگونی معضلی فرهنگی است که ناشی از مخاطب‌شناسی و اصالت قائل نشدن برای کار اصلی خود است که همانا سرگرم کردن مخاطبان باشد.

چنین رویکرد نصیحت گونه‌ای از سوی مجری سرگرمی یا کم‌دین، احساس صمیمیت و هم‌وزنی را از مخاطب می‌گیرد. یکی از علت‌هایی که بخشی از جامعه ما، پشت به دنبال قضاوت کردن و رسوا ساختن اشخاص مشهور، اعم از بازیگر، مجری و... است در همین نکته نهفته است. این قشر گاه به شکلی بی‌وجه و ریاکار، خود را معلم نوده‌ها جا می‌زند و همین برخورد یکسویه و فراتر از گفت‌وگو، جامعه را نسبت به رفتار آگاه بخشی از مردم را و ا می‌دارد که همان ناشی از مخاطب‌شناسی و اصالت قائل نشدن برای کار اصلی خود است که همانا سرگرم کردن کوچک‌ترین خطایی می‌کنند.

